



۲۰۲۰/۰۶/۰۳

رفعت حسینی

خرافه در هنر های نبشتاری افغانستان

خرافات جمع خرافه است.

(اسم) . ۱ - سخنان بیهوده . ۲ - افسانه ها .

۳. مجموع اعتقادات یا اعمال ناشی از نادانی، ترس از ناشناخته ها، اعتقاد به جادو و بخت، درک نادرست برخی علت و معلول ها، و مانند آن.

بدین وجه اگر به هنر های شعروداستاننویسی در خاکستان افغانستان، با واقعگرایی، بنگریم، خرافه در تاروپود آن از آغاز تا امروز مسکن گزیده و زیست نموده است. من بآنکه به پشتووانگلیسی نیز میخوانم مگر درین نبشته سخنم بر شعر و داستاننویسی پارسی میباشد.

یک. در شعر

در اشعار مشهور (ساخته) شده ها در شعر کلاسیک پارسی:

رودکی

جلال الدین بلخی

سعدی

حافظ

عطار

سنایی

فردوسی

اسدی طوسی

عنصری بلخی

منوچهری

و همانند ها

باور به خرافات هستی جاویدانه دارد.

عطار و جامی و سنایی ، رابعه بلخی را عارف وارسته اسلامی می دانند. وقتی روش اندیشیدن ایشان چنین باشد، چی گونه می توان به پدائست ها و اعتقادات دیگر ایشان متکی بود و استناد فکری نمود؟ چنین کاری عقلانی نیست.

جلال الدین بلخی در جایی در بیتی دردی اجتماعی را به نمایش می گذارد:

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیوودد ملولم، انسانم آرزوست

د پان و شمیره: له ۱ تر؛

و همین شاعر که خرافات بادشاهان برپندار های او می باشند، «زن» را از کلکینی ساخته شده در کارگاهی اسلامی و رنگ آمیزی شده با رنگهای افسانوی و ابلهانه شرقی، در ذهن خویش جاداده است.

جلال الدین بلخی و چند بزرگ ساخته شده دیگر در هنر!!! شاعری پارسی، چنین نابخردانه و خرافی به زن فکر میکنند:

ابوالقاسم فردوسی، که او را حماسه! سرا میدانند، فریاد می زند:

زن واژدها هر دو در خاک به
جهان پاک زین دو نا پاک به
چه خوش گفت شاه جهان کیقباد
که نفرین به هر چه زن نیک باد
زکار زن آید همه کاستی
خجسته زنی کو ز مادر نژاد
زنان را همین بس بود یک هنر
نشینند وز آیند شیران نر
از اسدی توسی می گوید:
زن هر چه دلیر و بازور و دست
همان نیم مرد است هر چه که هست
زنان چون درختند سبز آشکار
ولی از نهان زهر دارند و مار
...

و سنایی غزنوی که وی را حکیم! کامل! خوانند، چنین استدلال می نماید:

اشتهاقش ز چیست دانی زن؟
یعنی این قحبه را بزور بزنی

=

چو کردی مشورت بازن
خلاف آن کن ای نادان

=

حمله با شیر مرد همراه است
حیله کار زنست و روباه است

=

از بدی های زن مشو ایمن
گر چه از آسمان نزول کند
حجت خراسان! لقبیست که به ناصر خسرو پرتاب نموده اند.
حجت! خراسان بنده خرافات است. لذا نصیحت میکند که:

به گفتار زنان هرگز مکن کار

زنان را تا توانی مرده پندار

زنان چون ناقصان عقل و دینند

چرا مردان ره آنان گزینند؟

===

زیور و زیب زنان است حریر و زر و سیم

د پان و شمیره: له ۲ تر؛

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیزولو مخکې په ځیر و لولئ

مرد را نیست بجز علم و خرد زیور و زیب

==

جامی را که چپ می زنند که مولانا!! وحکیم ! بوده است نیز خرافی می اندیشد:
زن از پهلوی چپ شد آفریده
کس از چپ راستی هرگز ندیده

..

و مولانا! جلال الدین بلخی، که خداوندگارش می شمارند، و مثنوی وی را قرآن لسان پهلوی هم میگویند، انشاد می نماید:

هر بلا که در جهان بینی عیان
هست از شومی زن اندر میان
نفس خود را زن شناس وزان بتر
زان که زن جزء است و نفس کل بشر
مشورت با نفس خود گرمیکنی
هر چه گوید کن خلاف آن دنی

==

گفت پیغمبر که زن بر عاقلان
غالب آید سخت و بر صاحبان
باز زن بر عاقلان چیره شوند
زان که ایشان تند و بس خیره سرنند

==

گفته ست مصطفا که ز زن مشورت مگیر
این نفس ما زنست اگر چه که ز اهده ست

=

چند با آدم ابلیس افسانه کرد
چون حوا گفتش بخور، آنگاه خورد
اولین خون در جهان ظلم و داد
از کف قابیل بهر زن فتاد

=

مزن دروادی مکر و حیل گام
که از مکر زنان افتی تو در دام

=

هیچ زن را نگاه نتوان کرد
وزیدی در پناه نتوان کرد
زان که ابلیس یار ایشانست
زان سبب مکر کار ایشانست

... ..

دو. در داستان نویسی

در داستان نویسی افغانستان بپارسی اینها نام برداران اند:

اکرم عثمان

زلمی باباکوهی

د پان و شمیره: له ۳ تر؛

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیزلو مخکې په ځیر و لولئ

سپوژمی زریاب
مریم محبوب
عتیق رحیمی
اعظم رهنوردزریاب
من تمامی آثار چاپ شده آنان را خوانده ام.
تنها عتیق رحیمی، داستانهایی ارزنده بر مبنای معاییر داستاننویسی دارد و از حقایق زندگی
در افغانستان و مشکل ها و دردهای باشندگان افغانستان درین چهل سال پسین نبشته است.
دیگران
اکرم عثمان
زلمی باباکوهی
سپوژمی زریاب
مریم محبوب
اعظم رهنوردزریاب
خاموش خاموش خاموش و بیدست و فلج هستند.
از بیداد و استبداد حزب خلق
از کام خاداگسا
از بیرونی های پرچی ها و خلقی ها
از زندانی شدن ها
آوارگی ها و فرارها از خانه و کاشانه
کشتار فرهنگیان و بی گناهان بوسیله حزب خلق
لندغری ها و چپاولگریها و دزدیها و فساد های معنوی طالبان و مجاهدین
و بزور ریش ماندنها و لنگوته و پکول و چین و تنبان پوشیدن ها
یک حرف، یک جمله و یک پرگراف نیز ننوشته اند.
مگر در زمینه سوژه های بیمار از خرافات قلم های شان
{[[[آفرینشگر !!!]]]} است.

د پان و شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ